

نگاهی به بسط و گسترش تصوف در دوره صفویه

آغاز حکومت صفویان بر پایه یک جریان صوفیانه بوده و در اصل تصوف در دوران حیات معنوی صفویان در حکم حقیقت نامه ای می نمود که از شیخ صفی تا جانشینان بعدی وی هر کدام در حفظ و تعلیم و ترویج آن کوشش کرده اند.



خبرگزاری مهر-گروه دین و اندیشه: آغاز حکومت صفویان بر پایه یک جریان صوفیانه بوده و در اصل تصوف در دوران حیات معنوی صفویان در حکم حقیقت نامه ای می نمود که از شیخ صفی تا جانشینان بعدی وی هر کدام در حفظ و تعلیم و ترویج آن کوشش کرده اند.

اصولا ایدئولوژی های اجتماعی در پاسخ به نیازها و بنا بر مقتضیات زمانی شکل می گیرد. این مسئله گاهی ممکن است در قالب فرق و یا سلسله های مذهبی و سیاسی تبلور یابد. از این حیث موضوعی چون تصوف نیز از این امر مستثنی نمی باشد. آنچه به عمل صوفیانه مربوط است و در قالب تصوف دوره صفوی بسیار مورد توجه واقع گشته است، اساسا غیر قابل تعریف می باشد. زیرا برای این جریان فکری که دارای انشعابات وسیعی است، نمی توان تعریفی واحد ارائه داد.

اما در تعاریف تصوف آمده است: تصوف کوششی است معرفتی در قرب انسان به خداوند. که اصول و مبانی خود را از 3 منبع قرآن، احادیث نبوی و شرح رجال گرفته است و اصل مهم در آن "مراد و مرید" است. صوفیه بر این باور بودند که تجلی و ظهور حق در مظاهر بشری محال نیست و وجود آدمی البته نه آنکه از جنس ذاتی حق باشد می تواند ظرف حلول خدای تعالی تلقی شود. جریان قدرتمند صوفیانه در تاریخ ایران ریشه دار بود و همین دیرپایی فعالیت صوفیان باعث بروز دیدگاههای متفاوتی گردیده است. جنبش صوفیان در ایران قبل از اسلام یعنی در دوران باستان نیز موجود بوده است با این تفاوت که شیوه و نوع آن با دوران اسلامی چون مغولان و یا قبل از آن سلجوقیان تغییراتی داشته است. علت آنکه از دید بسیاری از مورخان جریان صوفیانه پس از دوران مغول صورتی محسوس تر به خود می گیرد آن است که مغولان با رفتار وحشیانه، کشتار وسیع، اسارت مردم، تهاجم فرهنگی و ... خود مسبب ایجاد چنین جنبشی شدند و در لوای شرایط نابسامان اقتصادی و فرهنگی این دوران طریقت های صوفیانه چون کبرویه، سهروردیه و ... شکل گرفتند و پس از آن صوفیه به صورت موثرترین گروه صوفی بر این بستر، نفوذ قابل توجه یافت.

گرچه بحث و بررسی در خصوص شکل گیری این طریقت از ابتدا و انواع آن مجالی بیش از این می طلبد اما در متن پیش رو به طور مختصر به فراز و نشیب های این جنبش در دوران صفویه اشاراتی می شود.

سلسله صوفیان قبل از یورش مغول به ایران نیز در حیات جامعه نقش فعالی داشته و پس از آن ابعادی وسیع تر از فعالیت این جریان گسترش یافته است. در واقع آغاز حکومت صفویان بر پایه یک جریان صوفیانه بوده و در اصل تصوف در دوران حیات معنوی صفویان در حکم حقیقت نامه ای می نمود که از شیخ صفی تا جانشینان بعدی وی هر کدام در حفظ و تعلیم و ترویج آن کوشش کرده اند.

تاریخ شناخته شده صفوی با مردی به نام فیروز بن محمد بن شرف شاه شروع می شود، کسی که هدفش ترویج اسلام از کنعان تا سراسر آذربایجان بود. پس از فوت شرف شاه به ترتیب محمد حافظ، صلاح الدین رشید، قطب الدین احمد و امین الدین جبرئیل به حاکمیت رسیدند. امین الدین جبرئیل سپس به حلقه ارادتمندان خواجه کمال الدین عربشاه اردبیلی از مشاهیر صوفیه شیراز درآمد و با دختر او ازدواج کرد. حاصل این ازدواج پسری به نام صفی الدین اسحاق بود. صفی الدین نیز همان طریقت پدر یعنی تصوف را در پیش گرفت.

او در ابتدا در تکاپوی یافتن مراد معنوی خویش به فارس و گیلان می رود و سرانجام نزد شیخ زاهد گیلانی استقرار می یابد با دختر او ازدواج می کند و پس از مرگ شیخ زاهد به اردبیل باز می گردد. او خانقاه اردبیل را برای فعالیت صوفیانه خویش احیا کرد و از همین دوران فعالیت مستقل طریقت صفوی در اردبیل آغاز شد و طریقت صفوی نام جریان صوفیانه ای گشت که شیخ صفی الدین آن را پایه گذاری کرده بود. پس از آنکه شیخ صفی الدین در 85 سالگی فوت کرد، پسرش صدرالدین موسی جانشین وی شد، او که از همان کودکی در محیط صوفیانه و موقعیت ریاست معنوی بار آمده بود، از زمانی که بر مسند قدرت تکیه کرد زعامت سیاسی و مرشد صفوی را شکل داد.

در مجموع خانقاه اردبیل پس از مرگ شیخ صفی الدین دو دوره فعالیت عمده داشت دوره اول شامل دوران صدرالدین تا شیخ جنید و دوران دوم از شیخ جنید تا شیخ حیدر. در دوران اول با گسترش خانقاه و افزایش تعداد مریدان، فعالیت صوفیانه هم چنان تداوم می یابد اما در دوره دوم خانقاه اردبیل به صورت یک مرکز عمده سیاسی و نظامی در می آید و طریقت صفوی به دست جنید تبدیل

به یک جنبشی می شود که جنبه سیاسی در آن غلبه دارد. در این مرحله صوفیان تبدیل به یک حزب سیاسی شورشی شده بودند که شیعی گری غالبانه در عقایدشان رخنه کرده بود.

اما چطور شد صوفیانه در دولت صفوی به تدریج کاسته می شود و زمینه ساز مذهب تشیع می گردد؟

باید گفت: درست است که آغاز حرکت صفویان، صوفیانه بود اما به علت سیاستهایی که در پیش گرفته می شود این جنبش کم کم از یک جنبش فکری به جنبش سیاسی تغییر موضع می دهد. فرقه تصوف به تدریج رنگ سیاست به خود می گیرد زیرا صوفیان رفته رفته متوجه این نکته می شوند که دیگر برای تثبیت موقعیت خود به شور صوفیانه نیاز ندارند و به همین علت آن را کم رنگ جلوه می دهند. اگر چه در تاریخ نمی توان در خصوص نیت افراد سخن گفت؛ ولی به نظر می رسد ظهور جنبش صوفیانه توسط دولت صفوی ابزاری برای پیشبرد اهداف صفویه بوده باشد و یا شاید در ابتدای امر به واقع هدف تنها ایجاد یک جریان مذهبی اجتماعی صرف بوده که در اواخر به دست فراموشی سپرده می شود. به هر روی نکته جالب توجه و قابل تامل آن است که، صفویه بهترین روش یعنی تصوف را برای دست یافتن به قدرت انتخاب کردند زیرا این شیوه، شیوه سنتی قدرت در ایران بوده و در اذهان عموم قابل پذیرش تر می نموده است. اما نباید از ذکر این نکته غفلت کرد که طریقت در دوران صفوی چنان پویا و عظیم بود که از جنید به بعد زمینه برای تبدیل طریقت به شریعت و جنبش مذهبی فراهم آمد.

منابع و مأخذ

مرآت الاولیاء؛ محمد شعیب

فراز و فرود صفویان؛ منصور صفت گل، انتشارات کانون اندیشه جوان

تصوف در ایران تا سده 12 هجری؛ مصطفی کامل الشیبی کتابخانه دانشگاه تهران

سلسله صوفیه در ایران؛ نورالدین مدرسی چهاردهستی. انتشارات بتونک